

## دولت وحدت ملی و آزایمرفریب و دروغ !\*

قربان ! نه گفته بودم که زیره است ؟

پیوسته به گذشته :بخش چهل و هشتم



محمد امین فروتن

ممکن است خورشید مدت ها از پشت ابر ها دیده نشود اما هرگز از پشت آسمان خراشها و قصرهای مرمین و با سردادن افسانه ها ی میان تهی و آلوده بر دروغ دیدنی نیست .

ویلیام شکسپیر

چنانچه بارها از این قلم خوانده و شنیده اید کاملاً بی معنی است که عده ای از برجسته ترین معماران و مهندسان با کمک تخنیک بسیار پیشرفته از بهترین و آسایش بخش ترین خانه سخن بگویند پیش از آنکه برایشان معلوم شده باشد که خانواده ای که در آن باید سکونت کنند چه تیپ ها و دارای چه روحیه ها و آرزوها و هدفمندی های اند ؟ وبالخصوص نیاز اصلی زندگی شان چیست ؟ روی همین فورمول بسیار بی معنی خواهد بود که قبل از اینکه سرشت ، هویت ، مشخصات و جوهر خواسته های عمومی ملت تاریخی افغانستان به عنوان یک کتله اجتماعی و تاریخی بویژه در جغرافیای مشرق زمین مورد مطالعه قرار داده شود مکتبی و نقشه ء راهی برای زندگی او تعیین نمود . تصویر وجودی افغانستان ، زندگی تاریخی و عینیت این سرزمین در تاریخ بشر همه اموری اند که قبل از پیچاندن هر نوع نسخه ای و نقشه ء راهی برای باشنده گان این مرزوبوم باید تبیین شوند . زیرا بسیاری از طرح ها و نسخه های کاپی شده و تدوین شده حتی شسته شده با زمزم مذهب و مدرنیته نیز نه میتوانند بی آنکه شرائط عینی و ذهنی جامعه برای تطبیق آن ها در نظر گرفته شود متمر واقع شوند . زیرا ابلاغ و اعلام تطبیق چنین نقشه ها و برنامه احتیاج به یک اندیشه عمیق و جامع الاطرافی دارد تا بتواند تفسیرپذیری منطقی پیدا نماید . سردادن شعار برابری در " شرائط نابرابر " یا اعلام آزادی و " وحاکمیت قانون " در شرائط نابرابر و استبدادی بدون تردید که احادی از جامعه را در اسارت نگه خواهند داشت ، لهذا

سردادن چنین شعار های میان تهی بویژه در قرن بیست و یکم خود یک تناقض بزرگ در حوزه اجرایی با داستان تیوریک و نظری قضیه است ،

من بارها نوشته ام و گفته ام "همه شهروندان در برابر قانون مساوی است" عبارت پوچ و پوکی است و هیچ مشکلی را حل نه میکند و تاهنوز نیز در هیچ کجای از جهان حل نه کرده است زیرا تا مدامی که قانون بر روی خرابه های ویران فقر و گرسنه گان و لشکری از بیسوادان - در درون کاخ ها و توسط اندیشه ورزان ضد عدالت و شکم سیر ها وضع و تدوین میشود ، وضع موجود نابرابری فاجعه آمیز کنونی همچنان ادامه خواهند یافت . حاکمیت و مالکیت زور و استثمار - سردادن شعار "برابری همه شهروندان در برابر قانون!" تزویر گرایانه ترین و حيله آمیز ترین شعاری است که برای غارت فقر و درمانده گان سرداده میشود . چنانچه آقای اشرف غنی رئیس دولت وحدت ملی افغانستان در یکی از سخنرانی هایش به پیشگاه صد ها تن از هواداران خود با طمطراق بی نظیری چنین شعار دادند .

<http://youtu.be/nn7qqHPIsAQ>

لذا با صراحت میتوان اعلام کرد هر شخصیت و هر نهاد حقیقی و حقوقی در صورت عدم وجود "زمینه برابر" و یا حداقل فراهم ساختن "امکانات اولیه" برای همه ، وقتی شعار های اشک آلود بنام تأمین عدالت اجتماعی و عمومی سرداده شوند ، بدون تردید به جز اشک تمساح و یک دام فریب برای عوام کالانعام چیزی نخواهند بود . به هر حال این مورد یکی از ده ها مواردی است که از بطن موجودی بنام "حکومت وحدت ملی افغانستان!!" زائیده میشود !! لذا با بسیار صراحت و اطمینان باید گفت که فلسفه عدالت اجتماعی ملت شمول و همه گیر جهانی نه آنچنانکه بصورت یک توصیه اخلاقی در لباس اجندای دروغین "تحول و تداوم" و یا هم "اصلاحات و هم گرائی" که در خلال کمپاین های انتخاباتی دلالات مؤدب بورژوازی بیان میگردد و توده های مظلوم و بینوای کشور افغانستان را فریفته ای آنها میساخت و یا هم در سخنرانی های متفکران شماره بندی شده جهان که در قالب راه بلدان صاحبان شرکت های بزرگ پترو شیمی و پادوهای از کارتل های اسلحه سازی بخصوص در اعلامیه های کاذبانه حقوق بشر که غالباً مقصود از بشر سفید و آنهم از سفید های بسیار سفید است دیده میشود طرح نه شده است . بلکه با شعار انسانی بالاتر از هر نوع مرزهای قومی ، نژادی و مذهبی که میگویند "بنده دیگری مباش چرا که خداوند ترا آزاد آفریده است" این بنده گی ممکن است در ابعاد گوناگون صورت پذیرد ، بندگی و بهره دادن اقتصادی ، بندگی و بردگی فکری و مذهبی ، همه معنایش این است که تو آزاد نیستی و مغائر با اصل زرینی است که "زن و مرد از یک نفس واحد آفریده شده اند" یعنی از یک ریشه واحدند و چنین مواردی و با چنین انگیزه است که تحقق عدالت باید در سیمای همه انسان ها به مشاهده برسد نه فقط در چهره ای از مسلمانها و پیروان دیگر ادیان ! روی همین جهت نیز برابری در فلسفه سیاسی اسلام البته "نه اسلام" سیأ "سی" ؛ مبتنی بر فلسفه خلقت ؛ و آفرینش انسان به اساس یک گفتمان اجتهادی و توحیدی فلسفه تاریخ در برابر نیازهای معاصر انسانی وقوانین استوار است در غیر آن یک اجندای "سیأ" سی تلقی خواهند شد که منافع و مناسبات بیگانه ها را به هر اسم و رسمی در قلمرو افغانستان نگهبانی میکند !!

## قربان ! نه گفته بودم که زیره است ؟

عزیز نسین یکی از طنز نویسندگان معروف و فقیه تاریخ ترکیه حکایت معروفی دارد بنام زیره و باروت که یکی از بزرگان ایران زمین آنرا در اثر معروف اش بنام فیلسوف نما ها با این مضمون نقل و

منتشر ساخته است : میگویند دسته ای از قاچاقبران باروت که از سوی مأموران امنیتی و پولیس مجبور به توقف شده بودند وقتی پولیس در محموله های شان باروت که انتقال آن ممنوع بود کشف کردند و راجع به آن از ایشان پرسیدند که این ماده سیاه رنگ چیست ؟ سردسته ای از باند قاچاقبران در پاسخ گفتند ؛ که قربان این " زیره " (۱) است! وقتی پولیس این پاسخ را شنیدند دستور دادند که جهت اطمینان آنرا آتش زنند ، تا معلوم شود که زیره است یا باروت ؟ وقتی سردسته ای از باند قاچاقبران گوگرد (۲) را در تماس با باروت آتش زد شعله های آتش چنان بلند شد که دود و شعله های آن چشم سردسته قاچاقبران را نیز فرا گرفت ؛ اما در عین حال با صدای بلندی میگفت : قربان نه گفته بودم که زیره است ؟

<http://youtu.be/QcJdeV75dEg>

اظهارات رئیس غنی مبنی بر دفاع مردم افغانستان از سرزمین شان نیز شبیه با این داستانی است که علی الرغم اظهارات بلند رتبه ترین مقامات امنیتی کشور مبنی بر عدم آمادگی برای انتقال قدرت از نیروهای خارجی به اردوی ملی افغانستان و سیاسی خواندن پروسهء اینگونه انتقال که آنرا کاملاً توهم زأ و بی وقت می خوانند رئیس اشرف غنی با یکدنده گی و با خاک پاشی در چشم همه عالم با معادلات توهم آلود " سیا" سی ظرفیت های عمومی ارتش افغانستان را قابل دفاع از وطن میدانند و در نتیجه اگر با ختم سال ۲۰۱۴ میلادی نیروهای خارجی از افغانستان بیرون روند برای وی روز افتخاری خواهند بود .!! یا دست کم به مانند سلف اش رئیس کرزی آنوقت بهار و موقع صرف هفت میوه خواهند بود . هرچند این مطلب را در بخش های قبلی نیز از حضور شما خواننده گان عزیز گذشتانده ام اما یکبار دیگر توجه شما را به ارشادات داهیانہ رئیس غنی جلب میکنم که در کنفرانس مشترک با ینس استولتنبرگ Jens Stoltenberg سر منشی عمومی ناتو NATO در پاسخ به ی پرسش خبرنگار شبکه تلویزیونی شمشاد به عمل آورده بود جلب میکنم .

<https://www.youtube.com/watch?v=GGmitao23ZU>

من این را بصورت مطلق مناسب میدانم که نیروهای ناتو از افغانستان خارج میشوند . زیرا در طول تاریخ افغانستان افغانها یک مرتبه اجماع نمودند که نیروهای بین المللی بیایند و با ما کمک نمایند . اکنون به فضل و مرحمت الهی تمامی نیروهای ارتش ملی افغانستان بصورت رضاکارانه !! مشغول دفاع از وطن هستند ، آیا کسی را مجبور ساخته ایم ؟ اگر رضاکارانه !! نه میبود شما اکنون باید در اردو میبودید .!!! با این جوانی که دارید .!! پس مردم افغانستان اراده نموده اند . و من نیز از تمامی نیروهای امنیتی که بصورت رضاکارانه !! شامل ارتش ملی شده اند ابراز تشکر میکنم . ما شاهد کسانی هستیم که برای چهارمین مرتبه بصورت رضاکارانه !! در اردوی ملی ثبت نام کرده اند .!! البته این بدان معنا نیست که جهان ما را تنها میگذارند مأموریت ناتو از اول جنوری تغییر می خورد و با ما در بخش تعلیم و تربیه - تمویل و تجهیزات کمک خواهند کرد بلکه این فصل جدید است و بامقتضای این شرائط جدید ما باید خود را عیار کنیم .!!!

به ، به چشم ما روشن ! اکنون گمان این حقیر و خیلی از افغانهای بادر و بادرک میهن ما به یقین مبدل شد که آن همه سفرهای هرروزه جنرالان ارتش پاکستان بی هیچ نبوده است ؟ و شما را مهره تمام عیار خود می دانند ، تمنا میکنم لحظه ای بحیث یک انسان معمولی جامعه امروز ما تصور بفرمائید و این معادله انتقال قدرت به ارتش ملی افغانستان را از یک زاویه ی بیطرفانه وبا استفاده از بصیرت

متفکرانه ات مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید ، آیا وقتی سخنان شما را که مردم ستمدیده ما هر حادثه را با گوشهای بومی و منافع جغرافیای بنام افغانستان می شنوند ، بشنوید در باره هویت و جایگاه جناب شما بحیث رئیس جمهوری منتخب ..... چه قضاوت خواهید کرد ؟

من شما را چند سال قبل که خود را برای احراز همین مقام یعنی ریاست جمهوری افغانستان کاندید نموده بودید در منزل تان واقع در سرک دارالامان در کوچه وزارت تجارت و صنایع ملاقات نمودم و وقتی شما برنامه کاری تان را تشریح می فرمودید طی همین تشریح از برنامه انکشافی سه کشوری که در جنوب شرق آسیا مؤقیت دارند بحیث مدل انکشافی جوامع جهان سوم منجمله افغانستان یاد آوری نمودید هرچند ابعاد عمومی کلید پیشرفت جامعه ما نیز که شما آنرا نسخه ای برای نجات افغانستان میدانستید به دلیل فقدان وقت بصورت تفصیلی بیان نه فرمودید ، اما وقتی من به تقاضای جناب شما در باره حل معضلات کشور صحبتیم را آغاز نمودم در سخنان خود گفتم و اکنون نیز بر آن تأکید دارم این بوده که حتی اگر آن نسخه ها نهایت مفید برای حل بحرانهای عمومی اعم از اقتصادی و سیاسی در جوامع متذکره نیز به اثبات رسیده باشد که یقیناً برخی از همان نسخه ها مشکلات عمومی جوامع متذکره را حل و فصل نموده بودند ، با مشکلات امروزی همان جوامع ی که روزی همین نسخه بحیث کلید حل مشکلات عمومی ، اقتصادی و فرهنگی مورد استفاده قرار گرفته بود ، از حل مشکلات و نیازمندی های امروزی همان جامعه عاجز و ناتوان پنداشته میشود ، و متأسفانه که برخی از متفکران و روشنفکران جامعه ما بدون در نظر داشت شرائط عینی و ذهنی مقطعی از تاریخی که جامعه و کشور افغانستان در آن حضور و مؤقیت دارد با یک کاپی برداری مختصر بصورت و با شیوه مستعجل !! " **نقل مطابق اصل!** " در جامعه عرضه میکنند ، که بدون شک این کاپی برداری معیوب و غیر نقادانه همچون نهال های که از یک آب و خاک بیرون آورده و در یک محیط دیگری غرس گردد که کاملاً طبیعی است نه میتوانند به دلیل نا هم آهنگی و عدم انطباق نهال غرس کرده شده با محیطی که نهال در آن غرس شده است جان بگیرد و به ثمر مطلوب برسند ....لهذا هرکسی و هر راهروی که باغ سیاسی و فرهنگی جامعه را با چنین حالتی بنگرد و با بکارگیری چنین اسلوبی از کاپی کاری های " **نقل مطابق اصل!** " بنام شیوه های علمی و فلسفی توجه کنند ، آیا درباره باغبانان کشور افغانستان که جناب شما و شریک تان رئیس اجراییه جناب عبدالله میباشید به عنوان بیماران مصاب به الزایمر فریب و دروغ قضاوت نخواهند کرد ؟

## ادامه دارد

\* بیماری آلزایمر (به انگلیسی: Alzheimer's disease) که به اختصار آلزایمر خوانده می شود، یک نوع اختلال عملکرد مغزی است که بتدریج توانایی های ذهنی بیمار تحلیل می رود. بارزترین تظاهر زوال عقل اختلال حافظه است. اختلال حافظه معمولاً بتدریج ایجاد شده و پیشرفت می کند.

۱: زیره نام تخمی است سیاه رنگ که اشپزان جهت معطر ساختن گوشت آن را بکار میبرند

۲: نام ماده ای است که از اسید سلفوریک ساخته شده و برای آتش دادن بکار گرفته میشود